

# از جندی شاپور تا دار الفنون

(نگاهی به تاریخ طب اسلامی در ایران)

نویسنده: ابوالفضل جاریانی<sup>۱</sup>

## خلاصه

پس از ظهور و بسط و گسترش اسلام در میان اقوام و ملل مختلف همه مسلمانان ملزم به اطاعت از تعالیم قرآن کریم گردیدند. تعالیم دین مبین اسلام در باره طب و بهداشت که از طریق قرآن و احادیث بیان گردیده است در طی زمان با طب یونانی، ایرانی، هندی آمیخته شد و این آمیختگی با ترجمه گسترده کتابها به زبان عربی که مترجمان توانایی همچون حنین بن اسحاق، ثابت بن قره و سایرین که نقش بسیار مهمی در انجام آنها داشتند به وقوع انجامید چنانکه بعدها استفاده از تجربیات و تحقیقات آنان کتابهایی چون کامل الطیبه، الحاوی، ذخیره خوارزمشاهی و ... تألیف و با اهتمام دانشمندان و پزشکان نام آوری چون رازی، ابن سینا، جرجانی، ابوریحان بیرونی و دهها دانشمند دیگر موجب رشد و گسترش طب اسلامی شدند.

## مقدمه:

طب اسلامی از برجسته ترین جنبه های تمدن اسلامی است که به عنوان یکی از شاخه های علم و به دلیل ارتباط نزدیکی که با دیگر علوم از جمله فلسفه دارد در نزد مسلمانان از منزلت فراوانی برخوردار می باشد. در گذشته ارتباط میان حکیم و طبیب چندان زیاد بود که فیلسوف و پزشک را حکیم می خواندند و به همین علت جامعه اسلامی توقع دارد که پزشک، شخصی با فضیلت و تقوا باشد و علاوه بر ذکاوت علمی دارای صفات عالی اخلاقی نیز باشد و قدرت عقلانی و علمی او سبب نشود که از اعتقاد دینی و اتکایش به خدا چیزی کاسته شود.

در آغاز اسلام، قرآن کریم و گفتار و کردار حضرت رسول اکرم (ص) راهنمای امور بهداشتی و پزشکی اعراب تازه مسلمان عربستان بود و بعدها این فرمایشات تحت عنوان «طب النبی» که از نخستین کتب طب اسلامی است جمع آوری شد (۱). گسترش

نظری و عملی طب اسلامی با تصرف شهرهای جندی شاپور و اسکندریه مصر، توسط مسلمانان آغاز شد.

جندی شاپور شهری است در خوزستان که در گذشته آن را «خور» مینامیدند توسط شاپور اول ساسانی پسر اردشیر ساخته شد. این شهر توسط اعراب در سال ۱۷ هجری قمری (۶۳۸ میلادی) به دست ابوموسی اشعری فتح گردید (۲). مدرسه پزشکی و بیمارستان جندی شاپور در صدر اسلام مرکز علم و خاصه طب بود. در این شهر پزشکان ایرانی، هندی، رومی و یونانی به جنبه های نظری و عملی طب اشتغال داشتند؛ در اسکندریه نیز طب یونانی و طب مصری که از سنت های کهن برخوردار بود رواج فراوان داشت و مسلمانان در این دو شهر با استادان طب چون بقراط، جالینوس، دیسکوریدوس و دیگران آشنا شدند و سپس با آگاهی از اندیشه های قرآن و سنت رسول اکرم (ص) برای این علم منزلتی خاص

قایل شده و در این دو شهر طب جدید اسلامی را با مکاتب پزشکی دنیای پیش از اسلام پیوند دادند. از اوایل سده دوم هجری جندی شاپور به عنوان مرکز بزرگ طب اسلامی فعالیت جدید خود را آغاز کرد که خاندان «بختیشوع» و «ماسویه» در پایه گذاری طب دوران تمدن اسلامی نقش مهمی داشتند (۳) و جرجیس بن بختیشوع به عنوان نخستین پزشک اسلامی شناخته شد. «بد نیست بدانیم که این اسم مرکب از دو جزء است «بخت» که لغتی است پهلوی به معنای رهایش و «یشوع» وجهی از یسوع یا عیسی مسیح و بختیشوع به معنای نجات یافته مسیح یا فرج الله است و مسیحی بودن این خاندان از همین اسم دانسته می شود.» (۴)

در نیمه دوم قرن دوم هجری اولین کتاب پزشکی جهان اسلام به نام «دخل العین» توسط یوحنا بن ماسویه به رشته تحریر درآمد. سپس علی بن ربن طبری

۱- کارشناس ارشد مدیریت خدمات بهداشتی، درمانی

(۱۹۲-۲۴۷ ه.ق) در سال ۲۳۶ هجری کتاب مهم «فردوس الحکمه» را که شامل ۳۰ مقاله در ۳۶۰ باب است را تالیف کرد (۵). علی بن رین طبری دارای آثار و تالیفات زیادی است که از آن جمله می توان کتاب «الدین و الدوله»، «تحفه الملوک»، «کناش الحضرة»، «منافع الادویه و الاطعمه و الایشربه»، «عرفان الحیاه» و... را نام برد.

در اواخر قرن دوم و قرن سوم هجری نهضتی عظیم در کار ترجمه و تالیف کتب پزشکی، داروشناسی، داروسازی، گیاه شناسی و حیوان شناسی به وجود آمد و کتب بسیاری از یونانی، سریانی، پهلوی و هندی به زبان عربی ترجمه شد.

در قرن سوم «حنین بن اسحاق» (متوفی ۲۶۴ ه.ق) با ترجمه ۹۹ رساله طبی به زبان عربی پرکارترین مترجم جهان اسلام شناخته شد. از جمله ترجمه های «حنین بن اسحاق» ترجمه کتاب «مواد طبی» دیسکوریدوس است که از سریانی به زبان عربی ترجمه شد و به نام کتاب «الحشایش فی هیولی الطب» نام گرفت و به زودی به یکی از مهم ترین کتابهای مرجع برای داروشناسان و داروسازان تبدیل شد (۶). در قرن چهارم و پنجم طب اسلامی با کارهای محمد زکریا رازی، علی بن عباس مجوسی و

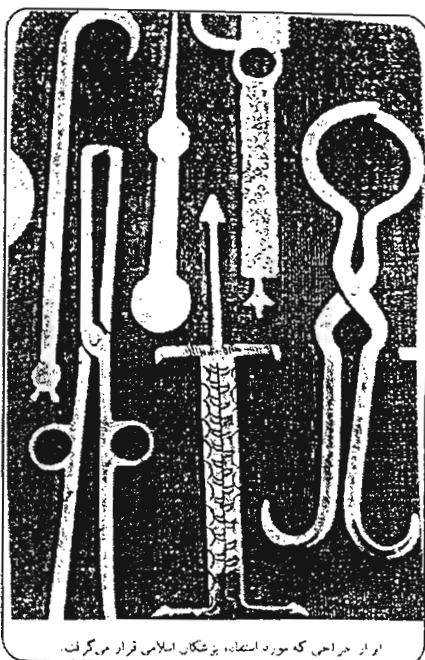
ابن سینا به بالاترین حد شکوه و عظمت خود دست یافت. خدمات رازی و ابن سینا در زمینه دانش پزشکی باعث شد که طب اسلامی با کارهای این دو پزشک شناخته شود و بزرگترین تاثیر را در زمینه این علم در سراسر جهان داشته باشد.

ابوبکر محمد بن زکریا رازی (۲۵۱-۳۳۱ ه.ق) یکی از بزرگ ترین و مبتکرترین پزشکان اسلامی و یکی از مولفین پر اثر است. رازی در کتابهای ملل مختلف جهان به عناوین گوناگون مانند: جالینوس عرب، فیلسوف عرب، طبیب بیمارستانی، علامه در علم و شاهزاده پزشکان خوانده شده است. وی مدت هار یاست بیمارستان ری و بغداد را به عهده داشت. رازی از پیشگامان «طب فوری» یعنی مدیکال اورژانس هم به شمار می رود و در این باب کتابچه «برء الساعه» و یا معالجات فوری را به رشته تحریر در آورد و نیز کتاب «من لا یحضره الطبیب» که بسیار معروف است (۷). از آثار مفصل او رساله ای درباره آبله و سرخک (الجدری و الحصبة) میباشد (در اروپا مشهورتر از سایر رسالات اوست) که اصل عربی این رساله با ترجمه لاتین آن اولین بار توسط چنینگ (Channing) کسی که آبله کوبی را معمول کرد - در سال ۱۷۶۶ میلادی (۱۸۰ هجری) در شهر لندن چاپ شده و در کمتر از ۳۵۰ سال بیش از ۴۰ بار به زبان های گوناگون در اروپا به دست چاپ سپرده شده است (۸). رساله دیگر رازی در خصوص سنگ مثانه و کلیه است که اصل عربی آن با ترجمه فرانسوی توسط دکتر دو کینیک (۱۸۹۶ میلادی) منتشر شد (۹). از آثار منتشر نشده رازی که در کتابخانه های عمومی اروپا و شرق موجود است می توان به نسخه خطی شماره Add ۶۱۵۳ کتابخانه دانشگاه کمبریج که اخیراً خریداری شده و حاوی رسالاتی است درباره نقرس، رماتیسم و قولنج اشاره

نمود (۱۰).

رازی به غیر از رسالات مفصل آثاری درباره مباحث کلی طب نوشته است که تعداد آن به ۱۰ تا ۱۲ بالغ می شود از جمله «جامع» «کافی» و «مدخل» که از لحاظ مقام پایین ترا رسالات اوست و از نظر مطالب غنی است و همچنین «ملوکی»، «فاخر» و «طب المنصوری» که برای امیر سامانی منصور بن اسحاق نوشت. و اما مشهورترین اثر طبی رازی که یکی از شاهکارهای پزشکی جهان است «الجامع الحاصر لصناعه الطب» می باشد که اختصاراً «الحاوی فی الطب» اشتهار یافته است. (۱۱)

الحاوی با شرح از امزجه اعضاء و اخلاط آغاز می کند و به تشریح اعضا بدن می پردازد. آن گاه اسباب خارجی را که موجب بیماری می شود شرح می دهد (خارج از طبیعت) سپس در باب امزجه استدلال می نماید و سرانجام کلام را از قسم علمی - طبی (نظری) به قسم عملی سوق می دهد. بسیاری از پژوهشگران تاریخ پزشکی جهان، رازی را پدر طب اطفال مینامند، زیرا او نخستین پژوهنده ای است که رساله ای را به طب اطفال



ابزار جراحی که مورد استفاده پزشکان اسلامی قرار می گرفت.

### فردوس الحکمة

فی الطب

لاهی الحسن علی بن سهل دین الطبری

قد انجزت نسخة و تصیبت  
من نسخة رید و دار الفکر و دار الفکر و دار الفکر  
الدکتور محمد زبیر الحدادی  
سنه ۱۳۹۶ هجری بمکه

دعوت  
لوفان تی. ج. غیب فی طبعه ۱۳۹۶ ه

دعوت  
فی طبعه ۱۳۹۶ هجری  
سنه ۱۳۹۶ ه

صفحه پشت جلد کتاب فردوس الحکمة.

اختصاص داده که در آن به بیماریهای کودکان اشاره نموده است (۱۲).

بعد از رازی، علی بن عباس مجوسی اهوازی (متوفی به سال ۳۸۵ هجری) از پزشکان برجسته جهان اسلام به شمار می آید. وی پزشک مخصوص عضدالدوله در شیراز بود. یکی از مهم ترین تالیفات او «کامل الصناعه الطیبیه» یا «طب الملکی» است که شهرت و محبوبیت خاص یافت و تا زمان تالیف قانون بوعلی سینا همچنان مورد مراجعه عام و خاص بود و «قانون» موجب شد که کتاب طب الملکی فراموش شده و از محبوبیت آن کاسته شود (۱۳). وی در مقاله اول کتاب الملکی خود اندرزها و وصایایی از سخنان «بقراط حکیم» و اطباء دیگر و حکمای قدیم را به صورت پندنامه تدوین نموده است در ذیل قسمتهایی از این پندنامه بطور خلاصه ذکر می شود:

«نخستین موعظ آن است که ستایش پروردگار و فرمانبرداری خداوند عزوجل را بجای آرند و پس از آن استادان خود را بزرگ دارند و در خدمت و سپاسگزاری و کرامی داشتن آنان همت کمارند همچنانکه در حق پدر و مادر خود احترام و نیکی می کنند. پزشک باید پاک و خداپرست و خوش زبان و نیکوروش باشد و منظورش از درمان استفاده و پول پرستی نباشد و بیشتر اجر و ثواب اخروی را مدنظر قرار دهد. طبیب باید راز بیماران را محفوظ دارد، از افشاء سر آنها بخودی و بیگانه دوری جوید. اگر کسی بخواهد طبیبی حاذق و فاضل باشد باید بدین دستورها رفتار کند و به صفات اخلاقی که ذکر شد خوی گیرد و آنها را کوچک نشمارد. اگر بدین رویه رفتار کند، در مانش موثر خواهد گشت و مردم به او اعتماد نموده و بدو خواهند گروید و او نیز به دوستی و ذکر

خیر آنان نایل خواهد شد.»

همچنین القفطی درباره کتاب الملکی می نویسد: «کتاب الملکی از نظر طب عملی قوی است و قانون از نظر طب نظری» (۱۴). و اما صحبت از ابوعلی سینا (۳۷۰-۴۲۸ هجری) یا صحیح تر بگویم ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا ملقب به شیخ الرییس است. فیلسوف، حکیم، شاعر و سیاستمدار که در زمان او علوم اسلامی به منتهای سیر و دوره اوج خود رسید. آثار تدوین شده بوعلی سینا از لحاظ ارزش به نحو قابل ملاحظه ای با هم متفاوتند و کمتر موضوعی را می توان یافت که ابن سینا درباره آن چیزی ننوشته باشد. او در رشته هایی مانند موسیقی، ریاضیات ستاره شناسی، منطق، طب و فلسفه مطالبی به رشته تحریر در آورده است.

دل گرچه در این پادیه بسیار شتافت

یک موی ندانست ولی موی شتافت

اندر دل من هزار خورشید بتافت

آخر به کمال ذره ای راه نیافت

ابن سینا به زبان عربی نگارش می کرد ولی دو کتاب فارسی هم به او نسبت داده شده است که مهم ترین آن «دانشنامه علایی» است. این کتاب شرح مفصلی در فلسفه است و برای بحث درباره منطق، ماوراء الطبیعه، علوم

طبیعی، ریاضیات، نجوم و موسیقی تنظیم شده است. اثر فارسی دیگر وی رساله کوچکی است درباره نبض که چندان مشهور نیست. ابن سینا لاقلاً ۸ رساله طبی بزرگ نگاشته که مجموعاً در تاریخ طب حایز اهمیت فوق العاده هستند.

نخستین آن رساله ای است که در تکمیل

«اصول طب حنین» نوشته است که تنها به صورت خطی وجود دارد. در درجه دوم نوشته ای است که درباره «قولنج» تالیف گردیده است. دو اثر طبی کوچک تر او «قوانین و حدود الطب» است. ساله ای هم درباره «داروهای قلبی» نوشته که بعد از قانون و شفا در درجه سوم اهمیت قرار دارد. اثر دیگر او کتاب «المبداء و المعاد» نام دارد که به ابو محمد شیرازی اهداء شده و دارای فصلی پیرامون «امکان تولید یک حالت روانی غیر عادی» است که جامی برای ساختن شعر «سلسله الذهب» از آن اقتباس کرده است (۱۵). سرانجام به کتاب «قانون در طب» میرسیم. قانون همانند کتب و آثار عربی مفصلاً تقسیم بندی شده و آن شامل پنج کتاب است. کتاب اول مربوط به اصول کلی و فن طب، دوم داروهای ساده که به ترتیب الفباء تقسیم شده است. سوم بیماریهای آلات خاص و اعضای بدن از سرتاپا. چهارم بیماری هایی که در آغاز موضعی است و در قسمتی از بدن بروز کرده و به تدریج به اعضاء و قسمت های دیگر بدن



قانون در طب از سال ۱۲۵۰ تا ۱۶۰۰ میلادی. کتاب درسی اساسی پزشکی طب اروپا بود در این تصویر شیخ الرییس ابوعلی سینا در حال تدریس دیده می شود (قتناس و ترجمه از تاریخ معاصر پزشکی، گمبیریا)

سرایت می کند همچون تب و پنجم ترکیب داروها (۱۶). این پنج کتاب، کتاب واحدی را شکل بخشیده اند که بارها و بارها در دانشکده های پزشکی جهان به چاپ در آمده است و تاکنون هیچ نوشتاری (پزشکی) در جهان به اندازه این کتاب به چاپ نرسیده است (۱۷).

همزمان با عصر ابن سینا، ابومنصور موفق بن علی هروی طبیب، کتاب «الابینه عن الحقایق الادویه» را در دیپوسازی، داروشناسی و گیاه شناسی به زبان فارسی تألیف کرد. در قرن ششم طب اسلامی با کارهای اسماعیل جرجانی و فخر رازی ادامه یافت. اسماعیل جرجانی پزشک عالیقدر اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم هجری، پزشک دربار سلسله خوارزمشاهیان و دربار سلطان سنجر سلجوقی بود. وی کتاب پراج «ذخیره خوارزمشاهی» را که دربرگیرنده کتاب الحاوی رازی و قانون ابن سینا و همچنین گنجینه‌ای برای داروسازی است در ۱۰ جلد، در سال ۵۰۴ هجری به زبان فارسی و عربی تألیف کرد (۱۸).

در قرن هفتم سال ۶۷۴ هجری عالم بزرگ اسلامی زکریا قزوینی کتاب «عجایب المخلوقات» را تألیف کرد که چندین فصل آن به دانش پزشکی، گیاه‌شناسی، جانورشناسی و داروشناسی اختصاص دارد. در قرن هشتم خواجه رشیدالدین فضل‌الله، وزیر بزرگ دولت ایلخانیان از مرو جان این علم بود. وی علاوه بر تألیف دایره‌المعارف طب برای

دانش پژوهان پزشکی، جایزه‌ای نیز در نظر گرفت که محققان و پزشکان اندلسی، تونس و طرابلس نیز برای دریافت آن جایزه در این مسابقه شرکت می‌کردند.

در اواخر قرن هشتم و قرن نهم، کالبدشناسی مورد توجه قرار گرفت و نخستین کتاب کالبدشناسی مصور توسط محمد بن احمد الیاس شیرازی به نام تشریح بدن یا «تشریح الابدان» که به کفایه منصوری نیز شهرت دارد در سال ۷۹۸ تألیف شد. در این کتاب اندیشه‌های جین شناسی یونانی و هندی با تصاویر تشریحی مورد بحث قرار می‌گیرد (۱۹).

از قرن دهم تا دوازدهم که صفویان در ایران فرمانروایی داشتند کارهای محمدحسین نوریخشی معروف به بهاء‌الدوله رازی، حکیم مؤمن و مظفر شفایی بر اعتبار و رونق طب اسلامی افزودند، نوریخشی برای اولین بار تب یونجه و سیاه‌سرفه را بازشناخت و کتاب «خلاصه‌التجارب» او بسیار مشهور است. همچنین کتاب «تحفه» حکیم مؤمن که دربرگیرنده طب قبل از صفویه و تجارب مؤلف و اساتید همزمان اوست، هنوز در ایران مورد

مراجعه است. دوره صفویه را باید عصر زرین داروشناسی در ایران و جهان اسلام به‌شمار آورد. مظفر شفایی فرزند محمدحسینی اصفهانی از پزشکان بزرگ دوره صفوی است. وی علاوه بر تألیف چند کتاب، کتاب معروف «قربادین شفایی» را در سال ۹۶۳ هجری تألیف کرد. این کتاب گنجینه ارزشمندی از دانش داروسازی و داروشناسی است و از کتب مرجع در ایران و هند به‌شمار می‌رود (۲۰).

در طی سده سیزدهم و همزمان با دوره قاجار به تدریج و با ورود طب فرنگی جامعه پزشکی ایران با دنیای گذشته وداع کرد و طب فرنگی با افتتاح مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۶۷ به صورت کلاسیک در ایران رسمیت یافت. از بانیان طب جدید در ایران می‌توان از دکتر یولاک اتریشی، دکتر یوهان شلیمر فلمنکی هلندی و دکتر آلبورا، که از معلمان مدرسه دارالفنون بودند، نام برد. در سالهای ۱۲۷۹ و ۱۲۸۰، کتاب‌های شفایی و سرالحکمه شلیمر به صورت چاپ سنگی با نامهای فارسی نشر یافتند. و سرانجام در سال ۱۲۷۲، کتاب جراحی دکتر آلوب و زبده‌الحکمه دکتر یولاک نشر یافت (۲۱).

## منابع:

- ۱- طب اسلامی، معاونت پژوهشی سازمان میراث فرهنگی - مهرماه ۷۱
- ۲- عیسی بک، احمد. تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام، ترجمه دکتر نوراله کسایی، شرکت انتشارات علمی، فرهنگی، ۷۱، ص ۵۸۵۵.
- ۳- ابن ابی اصیبه، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، جلد ۲، ص ۳۸.
- ۴- اذکانی، پرویز، تاریخ طب در ایران، دانشگاه علوم پزشکی همدان، تابستان ۷۱.
- ۵- نبی‌پور، ایرج، کارنامه پزشکی تمدن اسلامی، مدیریت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی بوشهر، ۷۵.
- ۶- براون، ادوارد، تاریخ طب اسلامی، انتشارات علمی - فرهنگی ۱۳۶۴ - ص ۱۴۰.
- ۷- اذکانی، پرویز، تاریخ طب در ایران، دانشگاه علوم پزشکی همدان، تابستان ۷۱، ص ۳۹.
- 8- Behbehani. AM, Rhazes, The original Portrayer of small pox JAMA. 1984.252(122):P:3158.
- ۹- براون، ادوارد، تاریخ طب اسلامی، انتشارات علمی-فرهنگی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۳.
- ۱۰- براون، ادوارد، تاریخ طب اسلامی، انتشارات علمی-فرهنگی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۵.
- ۱۱- نجم آبادی، محمود، تاریخ طب در ایران و پس از اسلام. دانشگاه تهران. ۱۳۶۶-۷۲۶۸.
- ۱۲- الگود، سیریل. تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه باهر فرقانی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۶ ص ۳۳۲.
- ۱۳- براون، ادوارد، تاریخ طب اسلامی، انتشارات علمی-فرهنگی، ۱۳۶۴، ص ۱۰۳.
- 14- Kottek SS: Mater Pue -rorom: Amedical naming for an enigmatic children's disease, Eur J Pediatr 1981 PP:137:88-92.
- ۱۵- تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، سیریل الگود ترجمه باهر فرقانی، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، تهران، ۲۵۳۶، ص ۲۲۳.
- ۱۶- کرادوو، بارون: متفکران اسلام، ترجمه احمد آرام. دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ج ۴، ص ۳۴.
- ۱۷- هونکه، زیگفرید: فرهنگ اسلام در اروپا: ترجمه مرتضی رهبانی، دفتر نشر فرهنگ اسلام، ۱۳۶۱ ص ۱۸۷.
- ۱۸- براون، ادوارد، تاریخ طب اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات علمی-فرهنگی، ۱۳۶۴، ص ۹۷-۹۸.
- ۱۹- عیسی بک، احمد. تاریخ بیمارستان‌ها در اسلام، ترجمه دکتر نوراله کسایی، شرکت انتشارات علمی، فرهنگی، ۱۳۷۱.
- ۲۰- ابن ابی اصیبه، عیون الانباء فی طبقات الاطباء، جلد ۲، ص ۲۲.
- ۲۱- اذکانی، پرویز، تاریخ طب در ایران، دانشگاه علوم پزشکی همدان، تابستان ۷۱.